

ماہنامہ دانشجویی **ماہتاب**



شماره دوم، بهمن ماه سال یکهزار و سیصد و نود و دو؛ هیئت قمر بنی هاشم علیہ السلام دانشکده مدیریت و حسابداری رزن

Mahtab.razan@chmail.ir



انقلاب ما بوده است و کلید موفقیت و رمز پیروزی وحدت



وحدت . کلید موفقیت و رمز پیروزی
انقلاب ما بوده است .



بیست و دوم بهمن، در حکم عید غدیر است؛ زیرا در آن روز بود که نعمت ولایت، اتمام نعمت و تکمیل نعمت الهی، برای ملت ایران صورت عملی و تحقق خارجی گرفت



سلام و تبریک به مناسبت ایام الله دهه فجر به همه ی دوستان و خوانندگان عزیز مهتاب؛

ما تو این شماره با مطالب جدید تر باز هم پیش شما اومدیم . هم چنین سعی کردیم تری این شماره نقص ها و اشکالاتی رو که بهمون گفتید رو برطرف کنیم . ضمنا وبلاگ نشریه هم راه افتاده و منتظر مطالب ، نظرات و پیشنهادات شما هستیم.

بروید سراغ کارهای نشدنی تا بشود تصمیم بگیرید بر برداشتن کارهای سنگین تا بردارید.

ولا یمشون امد الا الله

فب زممت هایش چه ؟ فب (نج هایش چه؟ ممره میت هایش چه؟

جوابش این است که : **کفی بالله مسیبا**

فدا را فراموش نکن فدا مسابست را دارد!

در میزان الهی ، رنج تو ممره میت تو ، کف نفس تو ، مرصی که خورد، زممتی که کشیدی،

کاری که کردی ، فون دلی که خوردی دندانانی که روی جگر گذاشتی

این ها هیچ وقت فراموش نمی شود ...

امام فامنه ای

شامبو خریدم روش نوشته

(این محصول را روی سرتان بریزید و موهایتان را بمالید سپس آب کشی کنید)
من میخواستم بریزم تو دهنم قرقره کنم خدا خیرشون بده آگامه کردن

دختره به دوستش میگه : شنیدی مریم جدا شده ؟
اون یکی میگه : از شوهرش؟!
پ ن پ چسبیده بود کف تابه با قاشق کندیمش!!!!!!



بیهوده ترین روزها روزی است که در آن نخندیده باشیم ...

از گل مراد میپرسن این شعر از کیه؟

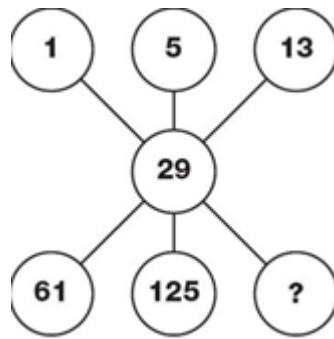
(سعیدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آنست....)
میگه: به راهنمایی میکنی؟ میگن: اسم شاعر تو این بیت اومده.
میگه: آها فهمیدم (جواد نکونام)!!!!!!

یارو میره دکتر ازش بیست هزار تومن ویزیت میگیرن
وقتی میره تو اطاق به دکتر میگه :
(با ده هزار تومن بهم پس میدی یا خودت بگرد بین کجام درد میکنه !!!)



شما مشغول بازی پینگ پنگ با یکی از دوستانتون هستین و ناگهان آخرین توپ پینگ پنگی که داشتین می افته داخل یک سوراخ (این سوراخ در حقیقت یک لوله نازک فلزیه که کف زمین سیمانی کار گذاشته شده و ۳۰ سانت هم عمق داره) چطوری می تونین توپ رو بدون ذره ای آسیب بیرون بیارین در حالی که تنها ابزار شما راکت های پینگ پنگ تون، لباس هاتون ، دو تا بطری ایزو (مابع رنگی و انرژی زای ورزشکاران) ، یک میز پینگ پنگ و همچنین چندین تکه سنگ (در کنار دیوار افتاده اند) میباشد.

عدد گمشده تصویر چند است؟



همکاران: جواد عالیقدری، سپهر قدیمی، حامد هاشمی، سلمان زارعی، احمد ابوالفتحی
سردبیر: سعید دل آرایی فرد
صاحب امتیاز: هیئت دانشجویی قمر بنی هاشم
پاسخ معما های قبلی در وبلاگ نشریه به آدرس
Mahtab-razan.blogfa.com
قرار دارد.

نام: شهید ناصرالدین امیدی عابد

نام پدر: امیرعلی

محل ولادت: همدان- شهرستان رزن- روستای بابانظر

تاریخ ولادت: ۱۳۳۸

محل شهادت: پادگان لویزان

تاریخ شهادت: ۱۳۵۷/۰۹/۲۰

نحوه شهادت: درگیری مسلحانه با عوامل رژیم طاغوت

مدت عمر: ۱۹ سال

محل دفن: بهشت زهرا تهران- قطعه ۳۹- ردیف ۷۹- شماره ۸

ماجرای حمله شجاعانه به پادگان لویزان در عاشورای سال ۵۷:

در روز عاشورای حسینی، یک درجه دار به نام اسماعیل سلامت بخش و سرباز وظیفه ناصرالدین امیدی عابد که قبلاً طرح حمله به پادگان لویزان را ریخته بودند و منتظر فرصت مناسبی بودند، در ساعت ۱۲ ظهر طرح خود را به اجرا گذاشتند. با سلاحهای آماده خود، از در غربی وارد سالن ناهارخوری پادگان لویزان شدند و عده ی زیادی از افسران و افراد نظامی، ارتش و درجه داران پادگان را مورد تیرباران قرار دادند و در آن روز این دو سرباز به دست و گلوله ی سربازان رژیم شاه به مقام رفیع شهادت نائل شدند.

فرازی از وصیت نامه شهید:

پدر جان، من جان خودم را در راه اسلام و قرآن داده و بیش از این نتوانستم خود را کنترل کنم، ماچند نفر، قصد کشتن چند نفر از افسران گارد را داریم. ما پیروز می شویم، ولی ممکن است کشته شویم و خواهش میکنم ناراحت نباشید، چون باید خیلی خوشحال باشید که پسران در این راه کشته شد. پدر جان اول خودتان و بعد مادرم و خویشان، یک به یک حلالی بنده را بخواهید.

من در روز عاشورا بعدازظهر ساعت ۱ جنگ میکنم.

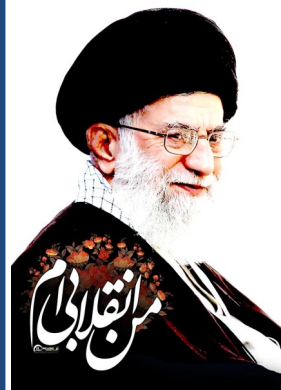
ناصرالدین امیدی عابد بابانظری، ساعت ۱، ۱۳۵۷/۰۹/۲۰

شعری از پدر شهید: منم ناصرالدین دشمن شکن که حر زمان شیرم و بت شکن

چو تیرافکنم از فشنگ و تفنگ به خاک افکنم شیر و ببر و پلنگ

به جان نوکر دین و پیغمبرم غلام جناب علی اکبرم

انقلابی بودن یعنی چه؟ انقلابی کیست؟



انقلابی بودن نه فقط به این معناست که علاقه مند و یا حتی عاشق انقلاب و نظام اسلامی و... بود نه فقط به ظاهر ولباس پوشیدن های خاص...

نه فقط به سر دادن شعارهای آرمانگرایانه...

این ها همه برای یک آدم انقلابی نیاز است اما اینها تعریف یک آدم انقلابی نیست.

بلکه انقلابی بودن یعنی لحظه به لحظه و قدم به قدم در هر جا و جگایگاهی، انقلاب کردن... در خود و در جامعه خود و در دنیای خود...

یعنی پیشرفت کردن، بهبود یافتن، متحول شدن... آ به آن و لحظه به لحظه...

آدم انقلابی یعنی آدمی خاص و متفاوت، تحول خواه و ناراضی به وضع نابسامان موجود...

انسانی به دنبال کمال، کمالی که جز از راه انقلاب بدست نمی آید...

آدم انقلابی یعنی عاشق انقلاب نه صرفاً مصداق انقلاب، یعنی انقلاب اسلامی ایران، بلکه عاشق خود لفظ انقلاب، عاشق خود انقلاب کردن...

یعنی کسی که دگرگون شدن و متحول شدن و در یک کلام انقلاب کردن را دوست دارد. دوست دارد و برایش تلاش میکند و خودش را برایش آماده میکند...

آدم انقلابی سختی، راحتی، مشقت و آسایش برایش مسئله نیست، آن چیزی که مهم است انقلاب است.

و آماده شدن برای انقلاب. انقلابی بزرگ...

انقلابی باشیم، انقلابی بمانیم

ان شا الله

رسانه ها و شبکه های اجتماعی در حال حاضر در حال رشد و گسترش عجیبی هستند که هر فردی را که با اینترنت سر و کار دارد را به سمت خود جلب می کنند بطوریکه هر چند وقت یکبار سر و کله یک شبکه اجتماعی جدیدتر در دنیای وب پیدا می شود که البته با طرفداران زیادی هم روبرو می شوند از سوی دیگر شبکه های اجتماعی ساکنان دار اقیانوس پرتلاطم اینترنت شده اند. در کشور ما نیز از این دست شبکه ها بسیار فعال شده اند و هر روز نیز در حال گسترش هستند و تلاش دارند به دور از حواشی و مشکلات اخلاقی و اجتماعی موجود در برخی شبکه های اجتماعی غربی، برای کاربران ایرانی محیطی جذاب و مناسب را فراهم کنند.

شبکه اجتماعی فارس توییتر farstwitter.ir

فارس توییتر، از سال ۱۳۹۱ با هدف رقابت با شبکه های اجتماعی خارجی و ایجاد محیطی مناسب با فرهنگ ایرانی برای کاربران ایرانی با مدیریت علی اکبر صادقی راه اندازی شد. این شبکه همانطور که از نامش پیداست نوع خدماتش به شبکه معروف توییتر بسیار نزدیک است.

شبکه اجتماعی هم میهن www.hammihan.com

نقطه قوت هم میهن را هماهنگ بودن با فرهنگ ایرانی و اسلامی، کنترل محتوا و سالم سازی محیط تحت نظر ۶۰ مدیر و ۶ میلیون مخاطب است

شبکه اجتماعی فیس نما facenama.com

نقطه قوت فیس نما نسبت به دیگر شبکه های داخلی را حضور اکثر کاربران ایرانی فعال در حوزه شبکه های اجتماعی، امکانات متعدد و رسیدگی سریع به مشکلات کاربران می باشد

شبکه اجتماعی افسران afsanar.ir

شبکه اجتماعی افسران جنگ نرم که به اختصار افسران نامیده می شود در بخش معرفی اینگونه نوشته است: با توجه به تأکیدات ویژه رهبر معظم انقلاب نسبت به مقابله با جنگ نرم دشمن و توصیه ایشان مبنی بر اینکه «خودتان در مجامع فکری تان به دنبال راهکار باشید»، تصمیم گرفتیم تا شبکه افسران را به منظور - ایجاد بستر برای هم فکری و بیان دیدگاهها - شبکه توزیع برای بیشتر دیده شدن محتواهای تولیدشده - انتشار سریع محتوا، ایده یا اطلاع - بسترسازی برای آزمون ایده های نو قبل از اجرا - توانمندسازی افسران جوان در مقابله با جنگ نرم دشمن راه اندازی کنیم. افسران بستری برای توزیع بهتر، سریعتر و گسترده تر محتواهای تولید شده توسط کاربران شبکه است که طبیعتاً علاقه مند هستند مخاطبین بیشتری داشته باشند. از سوی دیگر افسران می تواند مورد توجه کسانی قرار بگیرد که سعی دارند با دیدگاهها و نظرات مردم بدون واسطه ارتباط داشته باشند.



این دهمه فخر است کوئی نوبهار

وین همه مهراست از او یادگار

غصه هارقتند و افسانه شدند

نال هافر یاد مستانه شدند

در دهمه فخراتش پیروز شد

ماه بهمن ماه جان افروز شد

فخر کوئی نوبهار زندگی

چون چراغی در ره سازندگی

ماهمه دل داده می ره بر شدیم

تا ابد او یار و مایا ور شدیم

گفته بودم قصه دارم با شما

قصه ای از ماه بهمن بچه ها

آنچه بشنیدید بر آیدگان

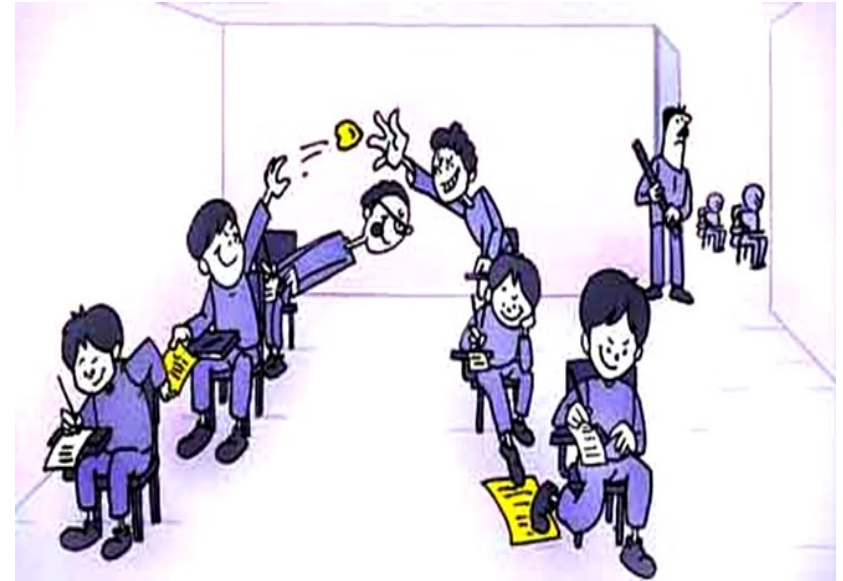
باز گوید تا بماند، همچنان

از نهضت قاطعانه می روح اید

شد دست ستمگران ز ایران کوتاه

با دست تپی و این همه پیروزی

لا حول و لا قوت الا بالله



و اما دانشکده ؛

اول اول تبریک عرض می کنیم خدمت آقای مهندس عبدلی که به سمت معاونت دانشکده منصوب شدند و در نبود دکتر خودمون با اختیارات کافی پاسخگو هستند، انشالله.

دوم هم تشکر می کنیم از کلیه مسئولین دانشکده که بالاخره سلف دانشکده رو عوض کردند و مارو از قاشق های کثیف و غذای نا مناسب و دود سیگار و موسیقی های مبتذل و ... راحت کردند.

هم چنین تشکر می کنیم از اساتیدی که دو هفته است یکی در میان غایب هستند و نه حذف می شن و نه هیچی!! تازه آخر ترم باید بیست و چهار ساعته کلاس جبرانی بیایم!

و صد البته مقام **دکتر ترین** دکتر این شماره رو تقدیم می کنیم به جناب آقای **دکتر صمدی**، مدیر گروه رشته مدیریت که اگه عکسشون در سایت بورس نبود ما هرگز چشممون به جمالشون روشن نمی شد.

و تشکر می کنیم از برنامه ریزی زیبا ، جادار ، مطمئن و بی نقص و بی نظیرشون که همین اول ترمی همه ی دانشجو ها و اساتید و مسئولین گیج و سردرگردان شدند و معلوم نشد کی باید تو کدوم کلاس باشه!!!

ضمناً پیشنهاد می کنیم کلیپ های دکتر سلام خبرگزاری دانشجو (SNN.IR) را تماشا کنید

غذای دانشجویی : سالاد ماکارونی

مواد لازم:

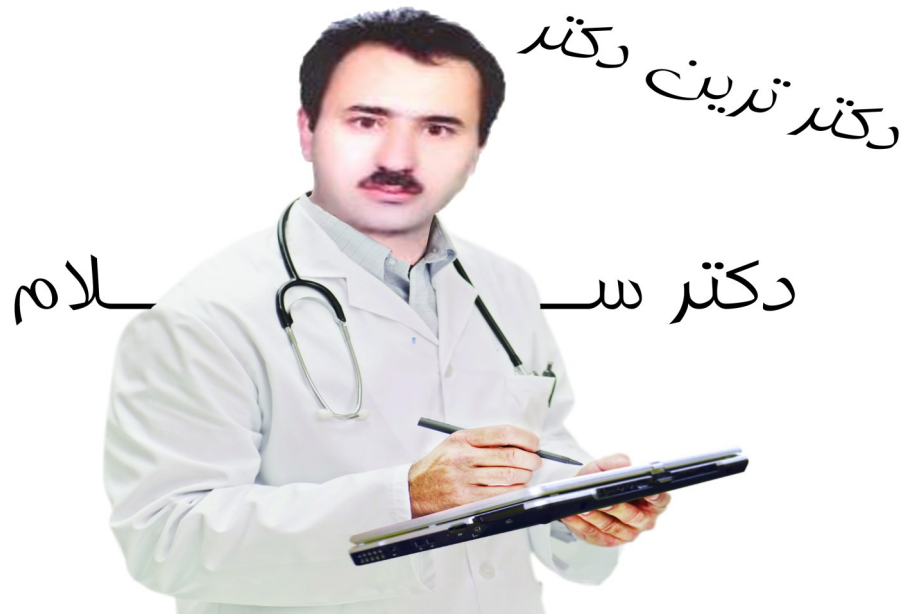
ماکارونی فرمی (صدفی و پیچی بهترین گزینست)
کالباس
خیار شور
نخود فرنگی
ذرت
سس مایونز

طرز تهیه:

ابتدا ماکارونی ها رو توی آب جوش میزین. یکم که نرم شد آبکشش میکنین. یادتون نره موقع پختن توی آب جوش نمک بریزین ک اگه نریزین خیلی بد مزه میشه.
کالباس هارو به شکل مربعی ریز میکنین و به همراه ذرت، نخود فرنگی و خیار شور خرد شده با ماکارونی مخلوط میکنین و بهش سس میزین..
سس زیاد نشه

همین!

آها بعدم بذارین توی یخچال تا خنک بشه و خوشمزه...



ادامه مصاحبه با دکتر سهرابی

شما با آقای کفاشیان نسبتی دارید؟ – نه! چرا ؟!

چون حدود ۹۶.۲ درصد انتقادات رو با لبخند و دیگر هیچ جواب می دهید؟

(خنده) مثلا چی؟ ملموس بگین اینجا انتقاد کردیم جواب نگرفتیم. انتقادهای بچه ها چند طیف داره. که انشالله شما به مقدار توفضای اجرایی قرار بگیرید می بینید بعضی انتقادها الکیه است مثلا به نمونه اش رو بگم که اصلا انتقاد نسبت سواله، دانشجو ۱۰ بار اومده اینجا می که اقای دکتر اگه من تکمیل ظرفیت قبول شدم چی کار کنم؟می گم برو آموزش هست سوال کن اول بذار قبول بشی بعد بیا پیرس هر سری من میام در اطاقم بازه.شاید اشتباه ما اینه، اگه ما رئیس دانشکده ای بودیم که به مسئول دفتر داشتیم دانشجو ها با هماهنگی وارد می شدن و حق نداشتن همین جوری بیان به حرفی بود یعنی خودمون رو دور نگه می داشتیم ازفضا یا نمی اومدیم جلو و از دور شاید این مشکل کمتر بود.۱۰ بار اومده از من سوال کرده بعد از اعلام نتایج ازش می پرسم قبول شدی یا نه؟می که قبول نشدم خب مرد حسابی ما رو گرفتی؟خودتوگرفتی؟ سم پاشی می کنی تو فضای دانشکده و دانشجوها آخرشم قبول نشدی این همه وقت از ما برای چی می گیری؟گاهی انتقادات وارده بچه های همدان چند بار برای سرویس اومدن شاید بالای ۱۰ بار اون هم جواب نگرفتن رفتن پیش دکتر هزاهو ای و دکتر مسبوق که اصلا این انتقاد درستی نیست برای دانشجویهای همدان هیچ جایی من قول ندادم خوابگاه بدم یا سرویس رفت برگشت بذارم کجا من قول دادم؟اگه قول داده باشم جزو وظایف ام باشه حق با شماست ولی بعضی از بچه های همدان میان می گن حسابداری هستیم،شبانه هستیم،سرویس می خواهیم چند نفرید؟۱۵ نفر با به مینی بوس قرارداد بستیم ماهی یک میلیون پانصد که ساعت ۶ دانشجو ها رو بیاره اینجا از اون طرف هم ساعت ۵ بیره به سمت همدان چند تا مشکل پیش اومد:دانشجوها می گن که دو روز یا سه روز ساعت ۱۱ کلاس داریم یا ساعت ۱۰ کلاس داریم ما ۸ بیاییم ۲ ساعت یا ۳ ساعت رو چی کار کنیم؟ حالا ما چی کار کنیم؟بعدش ۵ نفر پیدا شدن که این ساعت حاضرند بیان بقیه همش می گن اون ساعت هایی که ما می خوایم مینی بوس تهیه کنید یعنی ما باید به ساز این ها برقصیم و عمل کنیم گفتیم اشکال نداره حالا این ساعتی که این ها می خوان بیان هیچ مینی بوسی حاضر نیست بیاد گفتیم مینی بوس پیدا کنید من حاظرم باهاش قرارداد بندم تا حالا هیچ کس به من مراجعه نکرده حالا شما این رو از زاویه بچه ها نگاه کنید چی می گید،میگین ما مراجعه کردیم خواسته هم داشتیم اقای دکتر انجام نداد حالا حق رو به کی می دین من در حدی که واقعا وارد باشه توضیح می دهم و پی گیری هم می کنم ولی اگرچه انتقادهایی باشه که مثلا آقا چه وضعشه چرا استاد دیر میاد؟ خب راست می گی چی کار کنم چرادریر میاد،اقا مدیر گروه نیست،مدیر گروه کارشو شل می گیره،من اومدم اینجا حالا به وظیفه ای دارم اون به وظیفه ای داره،در حدی که وارد باشه من پی گیری می کنم و اصلا نمی خندیم و می ریم به دنبال حل آن مشکلات .

ساختمان اصلی دانشکده کی ساخته می شه؟

اون هم به دنبالش هستیم کار سختی است مخصوصا توی دولت جدید باید بره بودجه عمرانی تو دولت بگیره و از طریق کمیسیون ۲۱۵ پیگیری بشه ما هم به دنبالش هستیم و تمام تلاشمون این است که انشالله سال آینده استارت ساخت رو بز نیم اینکه چه قدر موفق بشیم به هزار عامل بستگی داره به نمونه اش که آقای رستمی چند ماهه که داره پیگیری می کنه تغییر کاربری زمین هایی که خریدیم زمین کشاورزی بوده باید به آموزشی تغییر کاربری بدیم.این کار مستلزم اینکه از چند جا مجوز بگیریم مثلا یکیش محیط زیست است که به ما میگه چی می خواید درست کنید،ساختمون هاتون چه طوری است،چند متره و ... تا مجوز بدم یکیش دیگه مثلا راهبرد دانشکده است مثلا در بلند مدت(۱۰ سال) چه رشته هایی رو می گیرید در چه مقطعی و چند تا استاد می گیرید این کارها هم داره به خوبی جلومیره تا بتونیم انشالله سال دیگه استارت ساخت رو بز نیم

خودتون از وضعیت فعلی دانشکده راضی هستید؟

نه راضی نیستم نه از خودم نه از همکاران نه از دانشجویان و همش هر کدوم به دلیلی، از خودم راضی نیستم چون نمی تونم هر روز اینجا باشم شاید خیلی بهتر بود یکی جای من بود که هرروز اینجا باشه حداقل چهار پنج روز اینجا باشه دو روز در هفته نه کار رو جلو می بره نه به دردی می خوره حالا داریم پی گیری می کنیم معاون بیاد خلاء ما رو پر کنه بالاخره به نفر در محدوده ای خلاقیت و توان داره من تا وارد دانشگاه بوعلی شدم سریع برام حکم زد اقا برو دانشکده رزن رو راه اندازی کن من و چیزی که از سال های قبل ایجاد شده بود و خیلی جلو رفته بود ما راه اندازی اش کردیم و دوباره حکم زدن برو رئیس دانشکده شو و پیگیری رشته هم خودت انجام بده الان ۲/۵سال است که من اینجا هستم از ورودی های ۹۰تا الان اینجا

هستم ولی باید به فرد جدید بیاد و با فکر جدید و با بچه ها تعامل کنه من می پسندم که فضای مدیریت اینجا عوض بشه من هم به کارام می رسم .من توی مجموعه بوعلی تو چند سال اخیر تحت فشار کاری بودم و چند وقتی است نمی رسم کارهای پژوهشی برسیم از همکارانم بخاطر اینکه تواناییشون

محدوده،همین همکارهای آموزش و فرهنگی و ... ده ها بار حرفی رو می زنی و گنجایشش از یک حدی بالا تر نیست یا باید آدم رو عوض کنم و تو

فضای دانشگاه برکناری و جایگزینی یک نفر چند ماه هزینه مجدد داره و یا باید تذکر داد و در خیلی از جاها باید باهاش کنار بیایی و از دانشجویها هم

ناراضی هستم چون تو فضای درس نیستن شاید تصور من اینه که انتظارات حاشیه ای بیشتر دارن و کمتر روی کارهای آموزشی و درسی متمرکز می شن دانشجویها باید طرح هایی بدن تا فضای دانشکده پویا بشه که این برطرف کننده خیلی از مشکلات است

سوال که باید پرسیده شود:

به نظرتون جایگاه دانشجویان رزن و سهمشون در تمدن ساز نوین اسلامی چیه؟

سهمشون زیاده ما یک حدیثی داریم از حضرت علی(ع) که می فرمایند: **“انترغم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر”** آدمی تو فکر می کنی همین جسم کوچک هستی در حالی که در درون تو عالم بزرگی است خیلی بزرگتر از اون چه که خودت فکر می کنی. این دانشجویها هر کدومشون یک تمدن ساز هستند و واقعا توانایی هر کاری رو دارند ولی خیلی هاشون خودشون رو دست کم گرفتند و دیدشون رو میارن پایین و فقط انگار تا نوک دماغشون می بینند خیلی بده برای دانشجو که فکر ذکرش این باشه که من چی بخورم،کجا بخوابم و واحدهام رو چه جوری پاس کنم اگر واقعا افق دیدشون روبرن بالا زحمت بکشن و عمرشون رو به بطالت سپری نکنند هر کدومشون بالقوه یک مدیر توانمند و تحول گرا می توانند باشند هر کدوم از دانشجو خواهید دید که به درجات بالای مدیریتی و علمی خواهند رسید یعنی انشالله شماها می بینید توی مقاطع ارشد و دکتری قبول میشن و موفق خواهند شد که این موفقیت رو خود دانشجو تا حدود زیادی می سازد یه بخشی هم که بخش امکانات هست من بر این معتقد هستم که اون توان و همت دانشجو خیلی قدرتش از کمبود امکانات بیشتره برای نمونه علما و دانشمندان بزرگ کشورمون چه امکاناتی داشتند مثل شهید مطهری و دکتر حسابی شما برید کتاب استاد عشق رو بخونید دکتر حسابی با سختی های زیادی مثل کارگری و... شروع کرده ولی به چه مقاماتی رسیده است همش رو هم نمی شه گفت هوش و استعداد است بحث پشتکار هم هست کسی که خود این ها رو انجام می ده خود دانشجو هست باید سطح دیدشو بیاره بالا و زحمت بکشه.توی اون زمینه هم بگه من این امکانات رو نیاز دارم ما هم به دیده ی منت قبول می کنم

هرچه دل تنگت می خواهد بگو؟

من فقط آرزوی توفیق دارم حالا دوستانی که این مطلب رو می خونن اگر مشکلی و کوتاهی هست من به شخصه به عهده می گیرم و تلاش می کنم که

برطرفش کنم شاید موفق نباشم و خود دانشجویها باید بیان به کمکون با ارائه طرحشون بیان بگن ما چند نفر می خوایم این کار رو انجام بدیم و از من

کمک و راهنمایی کنن همراهی کنن همدم و مونس ما باشن در حل مشکلات بالاخره تو هر شرایطی مشکلاتی هست و مهم اینه که اون رو تشخیص بدیم و با هم

با هم جلش کنیم و امیدوارم هر کدوم از بچه ها یه آینده بلند برای خودشون ترسیم کنند و این چهار سال جزو سال های خوب عمر دانشجویی باشه هم

تو عرصه ورزشی،فرهنگی،اخلاقی،درسی و... برای همشون برنامه داشته باشند و موفقیت های بعدی اونها از این جا شروع بشه.یه جمله می خوام بگم که به درد بخوره برای زندگی چون ما همیشه می برسیم چه درسی بخونیم، چه کار کنیم،چه فعالیت هایی انجام بدیم یکی می گفت:شما تا می تونید خودتون رو تقویت کنید تو هر زمینه ای چون دوره دانشجویی به خصوص در دوره لیسانس پتانسیل توانمند شدن است چون آدم از خیلی از مسئولیت ها رهاست

هنوز جوونه هرکاری می خوایید بکنید توی این ۴یا ۵ سال انجام بدید چون بعد از اون جامعه به شدت به سوی شما دست نیاز داره اون موقع وقتی شما

توان مندی دارید می تونید برید اون ها رو عرضه کنید و بهره ببرید اما اگر این فرصت رو از دست بدید شاید فرصت برگشت نباشه می خوانم عرایض رو با این جمله پایان بدم که خودتون رو توانمند کنید که به زودی خیلی زودتر از اون چه که فکر کنید جامعه به شما احتیاج دارد و از شما طلب خواهد

کرد.

شما در نشریه های بعدی بگید با چه کسی مصاحبه کنیم؟